

# غم نان اگر بگذارد!

نگاهی اجمالی به برخی

مجموعه شعرهای

بازاری

## نگار نوبهار

این شعرها، به مجموعه چند جلدی «بچه‌های جینگیلی»، سروده نیلوفر بهاری متعلق است. در این مجموعه، همان‌گونه که اشاره شد، شاعر بر اساس تصویر کودکان مختلف که لباس حیوانات به تن دارند، ابیاتی سروده است. به عنوان مثال، یک جلد مربوط به حیوانات وحشی، یک جلد به حیوانات اهلی، دیگری به پرندگان و یک جلد نیز به جانوران دریایی و دیگری به میوه‌ها اختصاص دارد. در یکی از مجموعه‌ها نیز کودکان لباس مشاغل مختلف را به تن کرده‌اند و شاعر از این طریق، به معرفی این مشاغل می‌پردازد.

نمی‌دانم نیلوفر بهاری چند سال است شعر می‌گوید، چند مجموعه شعر منتشر کرده و تا چه حد با کودکان و نیازها و علائق آن‌ها آشنایی دارد، اما شعرهای این مجموعه که به زعم ناشر، ترانه‌هایی شاد و کودکانه‌اند، نشان می‌دهد که شاعر هنوز در مراحل اولیه شعر و شاعری است و در برخی ابیات، حتی اصول و چارچوب اولیه نظم (وزن و قافیه) را نیز رعایت نکرده است. به عنوان مثال، در ابیات زیر، قافیه (بافتنی و چی) غلط است\*:

گر به می‌خواد بازی کنه  
رفته سراغ بافتنی  
نخ‌ها رو هی وا می‌کنه  
نمی‌دونه برای چی

این چیه؟ واکس وینگِ قشنگ  
دو بال رنگارنگ داره  
توی دهان جفت خود  
دوست داره دونه بذاره

باور کنید ابیاتی که خواندید، نه از یک کتاب جانورشناسی آورده شده و نه طنز است! خوب است بدانید که «واکس وینگ»، نام یک نوع گنجشک و این ابیات، متعلق به یک کتاب است که برای کودکان خردسال گروه سنی «الف»، به صورت شعر سروده شده! شعرهایی که هر کدام، در کنار تصویر یک کودک خردسال، در لباس جانوران مختلف آمده‌اند. حالا که کودک شما با «واکس وینگ» آشنا شد، بگذارید «دَرسا» و «اوربول» را هم بشناسد:

اوربول (پری شاهرخ)  
یه مرغ انجیرخواره این  
منقار سفت و سخت داره  
رنگ پراش چه روشنه  
لونه روی درخت داره  
دَرسا یه مرغ کوچیکه  
با پر و بال رنگارنگ  
مثل یه نقاشی شده  
قشنگه او خیلی قشنگ!



(بچه‌های جینگیلی - جلد ۳)

این مجموعه آکنده از مشکلات زبانی، بیان نامناسب، تعقیدهای لفظی و معنوی و... است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

تشبیه نامناسب برای مخاطب:

خرگوش نازگوش دراز

تند می‌ره مثل برق و باد

با اون دو تا دندون تیز

یه عالمه هویج می‌خواد

(بچه‌های جینگیلی - جلد ۳)

استفاده از صنعت لف و نشر مرتب برای کودک!:

وقتی یه سیب قلقلی

پیرهن قرمز می‌پوشه

دوست داره گوشت و آبشو

این بخوره! اون بنوشه!

(بچه‌های جینگیلی - جلد ۸)

حذف برخی از اجزای جمله که درک معنا را دشوار می‌کند:

رنگ تمشک کوچولو

سرخ و بنفشه همیشه

وقتی مربا می‌پزن

وای که چه خوشمزه می‌شه

(بچه‌های جینگیلی - جلد ۸)

(یعنی وقتی با آن مربا می‌پزند، وای که چه خوشمزه می‌شه!)

این چییه؟ خوک آبی

ساحل و دریا جای اوست

دوست داره هی شیرجه بره

دریا پُر از غذای اوست

(بچه‌های جینگیلی - جلد ۵)

(منظور از غذای او، ماهی است یا سایر چیزهایی که

در دریا وجود دارد؟)

این یک کشاورز تو ده

مزرعه و زمین داره

هر چی که مردم می‌خورن

مرد کشاورز می‌کاره!

(بچه‌های جینگیلی - جلد ۷)

(یعنی حتی شیر و گوشت و بستنی و... را هم که مردم می‌خورند، کشاورز می‌کارد!)

ضمن این‌که «ک» یک در تلفظ خوانده نمی‌شود.

به کاربردن واژه‌هایی که کودک معنای آن را نمی‌داند (بدون توضیح یا زمینه قبلی):

مثل در انبُر می‌مونه

چنگای خرچنگ دراز

با دو تا چنگ محکمش

هر کسی رو می‌گیره گاز

(بچه‌های جینگیلی - جلد ۵)

کاربرد کلمه انبُر برای گروه سنی «الف» مناسب نیست. هم‌چنین، احتمالاً منظور شاعر از چنگای خرچنگ دراز، چنگای دراز خرچنگ بوده است!

اشکالات دستوری، نظیر کلمه «میومیو» که در این بند، قید حالت واقع شده و ظاهراً منظور شاعر «میومیوکنان» بوده است:

گرچه ز رنگ و زبله

از همه جا صدش میاد

موقعی که گُشنه می‌شه

میومیو غذا می‌خواد

(بچه‌های جینگیلی - جلد ۳)

و جابه‌جایی ارکان جمله که فهم معنا را برای خردسال دشوار می‌کند:

موسیقی دان برای ما

می‌سازه آهنگ قشنگ

با هنر او می‌شه شاد

در همه جا دل‌های تنگ!

(بچه‌های جینگیلی - جلد ۷)

(یعنی با هنر او در همه جا، دل‌های تنگ شاد می‌شود!)

ظاهراً کتاب‌ها رویکرد آموزشی دارند و قرار است کودک، برخی مفاهیم و اطلاعات را از طریق اشعار این کتاب‌ها بیاموزد. حال به این بندهای درخشان (!) توجه کنید که چگونه ساده‌ترین اطلاعات، یعنی صدای حیوانات که همه کودکان ۳-۴ ساله می‌دانند، به غلط بیان شده است:

گاو قوی و شکمو

می‌خوره و هی میگه ماو!

به من یه شیشه شیر می‌ده

خیلی مفیده شیر گاو

(بچه‌های جینگیلی - جلد ۳)

شاعر برای این‌که بتواند قافیه‌ای برای «گاو» پیدا کند، کلمه عجیب «ماو» را اختراع کرده است!

بو قلمون تپلی

گُشنه شده دونه می‌خواد

راه می‌ره و داد می‌کشه

بیق بقو صدش میاد

(بچه‌های جینگیلی - جلد ۳)

تا آن‌جا که به خاطر دارم، بق بقو صدای کفتر است، نه بو قلمون و در ضمن بو قلمون داد نمی‌کشد!

همان‌طور که گفتیم، قرار است کودک از طریق تصاویر و شعرهای این کتاب‌ها آموزش ببیند. یعنی با حیوانات اهلی و وحشی، میوه‌ها، پرندگان، جانوران دریایی



و شغل‌ها آشنا شود. بنابراین، لازم بود شاعر جدا از نگاه کردن به تصاویر و سرودن شعر بر اساس آن‌ها، کمی هم اطلاعات علمی خود را افزایش می‌داد تا دچار اشتباه‌های فاحش این‌چنینی نشود:

ماهی هشت پا می‌تونه  
به هر طرف شنا کنه  
او می‌تونه در دل آب  
شکاری دست و پا کنه

(بچه‌های جینگیلی - جلد ۵)

هشت پا نوعی ماهی نیست، بلکه جزء سخت‌پوستان است! ایضاً بند ذیل:

صدف چیه؟ یه ماهیه  
اون رو تو دریا می‌شه دید  
گاهی یه قطره توی اون  
می‌مونه می‌شه مروارید

(بچه‌های جینگیلی - جلد ۵)

هم‌چنین، تفاوت برخی جانوران را تنها بر اساس اسم آن‌ها که بالای صفحه نوشته شده، می‌توان دریافت، چرا که در شعر به ویژگی خاصی از آن‌ها اشاره نشده. به عنوان مثال، به شعرهایی که درباره گربه سیامی، گربه خیابانی و گربه شیطون (!) سروده شده، مراجعه کنید:

«گربه سیامی»

گربه با چشم و گوش تیز  
خیلی زرنگ و باهوشه  
می‌گرده و بو می‌کشه  
همیشه دنبال موشه

(بچه‌های جینگیلی - جلد ۳)

این ویژگی‌ها در همه گربه‌ها وجود دارد. ضمن این‌که این سؤال هم مطرح می‌شود که آیا گربه شیطون و گربه خیابانی هم گونه‌ای از انواع گربه‌اند؟! مطالعات

### دغدغه‌های زیست‌محیطی شاعر!

در برخی قسمت‌ها به دغدغه‌های زیست‌محیطی شاعر برمی‌خوریم که قطعاً برای کودک خردسال (گروه سنی الف)، بی‌معنی و غیر قابل درک است. چرا که این مسایل مربوط به دنیای بزرگسالان است و دغدغه کودک نیست:

پاندا یه خرس کمیابه  
گیر میاد اما خیلی سخت  
دوست درخت بامبوئه  
غذاش چیه؟ برگ درخت  
اینم یه ببر وحشیه

بهش می‌گن ببر سفید  
بس که شکارش می‌کنن  
هیچ‌جا اونو نمی‌شه دید!

(بچه‌های جینگیلی - جلد ۵)

شاعر در جلد ۷ این مجموعه که به آموزش شغل‌های مختلف می‌پردازد نیز دچار اشکالات زیادی در تعریف و توضیح شغل‌ها شده است. به عنوان مثال، تعریف حسابدار را بخوانید که به نظر می‌رسد این تعریف، مناسب «صندوقدار» باشد، نه حسابدار:

این آقای حسابداره

او یه ماشین حساب داره

پول می‌ده و پول می‌گیره

چه خوب پولارو می‌شمه

(بچه‌های جینگیلی - جلد ۷)

همین‌طور، تعریف نادرست و ناقصی که از «هنرمند» ارائه کرده است، عنوان شغل، «هنرمند» نوشته شده، تصویر نقاش را نشان می‌دهد و شاعر این‌گونه سروده است:

همیشه نقاش می‌تونه

دنیا رو رنگارنگ کنه

او می‌تونه با هنرش

زشتی‌ها رو قشنگ کنه!

(بچه‌های جینگیلی - جلد ۷)

سؤال‌هایی که در مورد با این بند مطرح می‌شود، این است که اولاً آیا «هنرمند» بودن جزء شغل‌هاست؟ ثانیاً آیا هنرمند، فقط به نقاش گفته می‌شود؟ ثالثاً آیا وظیفه هنرمند، قشنگ نشان دادن زشتی‌هاست؟! این بند «بدون شرح» را نیز در تعریف «آتش‌نشان» بخوانید:

هر جا که آتش می‌گیره

آتش‌نشان فوری می‌آد

رو شعله با شلنگ خود

آب می‌پاشه خیلی زیاد!

(بچه‌های جینگیلی - جلد ۷)

شاعر گاهی نیز در قالب معرفی حیوانات، به موضع‌گیری و تحمیل نظر و سلیقه شخصی خود پرداخته که شاید جنبه بدآموزی هم برای کودکان داشته باشد:

کرگدن چاق و تپیل

یه حیوون علف‌خواره

به بچه‌اش شیر می‌ده او

چه بچه زشتی داره!

(بچه‌های جینگیلی - جلد ۵)

چه بسا آن‌چه شاعر زشت نامیده، در نظر کودک زیباترین باشد!

### یک نکته مهم:

ویژگی مهم این مجموعه، تصاویر آن است که برای کودکان و حتی برای بزرگ‌ترها جذاب و دوست‌داشتنی است. از آن‌جا که تصاویر خارجی است، ناشر کوشیده در برخی قسمت‌ها، تصاویر را بر اساس فرهنگ و زندگی



نی نی عسلی!»، شاعر در اوج خلاقیت، کتابی را که در آن هیچ نی نی عسلی ای وجود ندارد و شخصیت داستان کتاب، یک دختر ۹-۸ ساله است، به عنوان آبیجی نی نی عسلی معرفی کرده و با شعرهایی که آفریده، این کتاب را هم به این مجموعه دوخته است!

هیچ دلیلی نمی تواند توجیه کننده این کار باشد، جز این که بازار «مجموعه‌ها»، فروش خوبی دارد!

ضعف و سستی زبان، یکی از اشکالات این مجموعه است. به نظر می رسد شاعر گمان کرده است حالا که مخاطبان او گروه سنی الف هستند، نیازی به زبان سُسته و رفته و سالم ندارد و آزاد است هر طور که می خواهد یا ضرورت وزن و قافیه در شعر ایجاب می کند، بنویسد. حال آن که این نکته مهم را از خاطر برده که کودکان این گروه سنی، در مرحله زبان آموزی هستند و همه کتاب‌هایی که برای آن‌ها نوشته می شود- اعم از شعر یا داستان- به نوعی، می تواند الگوی آموزش زبان برای آن‌ها قرار گیرد. بنابراین، این امر، مسئولیت شاعر را در رعایت اصول زبان، ساده و در عین حال فصیح سخن گفتن و نوشتن و رعایت قواعد دستوری زبان، دوچندان می کند.

به چند مورد از این ضعف‌های زبانی توجه کنید:

نشسته روی تخم‌هاش

فکر می کند قدقدا

چی بکشم من باید؟

حالا رو این کاغذا؟

(قدقدی پیداش شده- ص ۳)

جابه‌جایی اجزای جمله که درک معنای جمله را برای کودک دشوار کرده است. در این بند نیز به چشم می خورد:

آقای خوک توی اجاق

می‌خواد آتیش روشن کنه

هاپو هاپو سر می‌رسه

یکی نگاه به من کنه!

(آهای آهای خبر خبر پیدا شده یک جونور- ص ۸)

خرسی کنار فیس فیسو

مشغول قایم بازیه

هاپو هاپو نگاه بکن

جونور درازیه!

(آهای آهای خبر خبر پیدا شده یک جونور- ص ۱۵)

منظور شاعر از «قایم‌بازی»، «قایم موشک‌بازی»

است:

آقا کلاغه صبح زود

شعر می‌خونه تو پنجره

نی نی عسلی از روی تخت

یک دفعه پایین می‌پره

کشورمان، بازسازی یا همانندسازی کند. به عنوان مثال، در جلد ۷ معرفی مشاغل، در تصویر حسابدار، پول‌ها بازسازی شده و به شکل اسکناس‌های ایرانی تغییر یافته‌اند. اما همین کار در مورد لباس پلیس و آرم روی کلاه و لباس او که معلوم نیست متعلق به کدام کشور است، اتفاق نیفتاده. از طرف دیگر، شاعر چون بر اساس تصویرها شعر سروده، در برخی قسمت‌ها توجه نکرده که این تصاویر ممکن است با مشابه آن در کشور ما متفاوت باشد. نتیجه این شده است که مثلاً در شعر مربوط به «نانوا» می‌خوانیم:

نونوای مهربون داره

برای ما نون می‌پزه

همراه نون و بیسکویت

می‌پزه کیک خوشمزه!

(بچه‌های جینگیلی- جلد ۷)

تصویری که کودک ایرانی از نانوا و نانوایی دارد، آن چیزی نیست که شاعر به آن اشاره کرده. در کشور ما در نانوایی کیک و بیسکویت نمی‌پزند، مگر در فروشگاه‌های نان فانتزی و تصویر مربوط به این شعر هم آشپزی خارجی را نشان می‌دهد با انواع نان‌های حجیم و کیک و بیسکویت روی میز!

### ترانه‌های نی نی عسلی

سرودن شعر بر اساس تصاویر خارجی هم داستانی است که گویا این روزها، شاعران علاقه زیادی نسبت به آن نشان می‌دهند.

«محمدکاظم مزینانی»، شاعر نام‌آشنای کودک و نوجوان که سروده‌های زیبا و درخشانی از او خوانده‌ایم، این بار یک مجموعه کتاب را بر اساس تصاویری خارجی سروده است با عنوان کلی ترانه‌های نی نی عسلی که نگاهی اجمالی داریم به این مجموعه:

مهم‌ترین و اصلی‌ترین اشکال این مجموعه، آن است که اصلاً مجموعه‌ای در کار نیست. اگر مجموع «نی نی عسلی»‌ها را کنار هم بگذارید و به تصاویر آن و نیز تصویرگران آن توجه کنید (که البته همه خارجی‌اند)، متوجه می‌شوید که این کتاب‌ها ربطی به هم ندارند و خلق شخصیتی ثابت با عنوان نی نی عسلی، از طرف شاعر ایرانی آن بوده است! شاید به خودی خود این مسئله اشکالی نداشته باشد، ولی نی نی عسلی در یک کتاب چهار دست و پا راه می‌رود، در کتابی دو ساله است، در کتابی اصلاً راه نمی‌رود و در کتابی دیگر با مادرش در جنگل می‌دود! در حالی که تصویر کودکی ۶، ۵ ساله را نشان می‌دهد که هر چه باشد، قطعاً نی نی عسلی نیست! هم‌چنین پدر، مادر و افراد هر جلد قیافه‌های‌شان متفاوت است و نی نی عسلی در هر جلد، تصویری متفاوت دارد! نکته‌ای که مؤید بی‌ارتباطی این مجموعه‌ها در اصل‌شان است. نام یکی از جلد‌های این مجموعه است: «آبیجی

### یکی از مشکلات

عمده این مجموعه،

نگاه و لحن

بزرگسالانه است.

مخاطب، گروه

سنی «الف»

است و قهرمانان

اصلی کتاب

هم بچه حیواناتی

مثل خرس و

سگ و...اند،

اما هنگامی که

حرف می‌زنند،

انگار در پشت

این شخصیت‌های

کودکانه،

شاعر بزرگسال

نشسته و

سخن می‌گوید



**وزن و ریتم  
در شعر کودک،  
از اهمیت زیادی  
برخوردار است.  
از آن جا که  
کودکان،  
اغلب شعر را  
با آهنگ و  
با صدای  
بلند می خوانند،  
اوزانی که  
برای شعرهای  
کودک انتخاب  
می شود،  
باید وزن های  
ساده و کوتاه و  
در عین حال  
شاد و پُر تحرک  
باشد**

(فنجون خانم - ص ۲)

در این بند هم منظور شاعر، احتمالاً این بوده که کلاغه کنار پنجره یا پشت پنجره شعر می خواند، نه توی پنجره!

در برخی بیت ها، ضمائر به گونه ای به کار رفته اند که مرجع آن ها مشخص نیست و قطعاً کودک را دچار مشکل خواهد کرد:

سیا میو می ترسه که  
ویز ویز و نیشش بزنه  
خیلی خوشم میاد ازش  
همیشه دنبال منه  
(ویزویزو - ص ۳)

در این شعر که راوی سوم شخص مفرد، یعنی خود شاعر است، مشخص نیست که بیت دوم از زبان چه کسی است و ضمیر «ش» در کلمه «ازش»، به چه کسی برمی گردد؟

سیا میو به مرتبه  
بلند می شه از سر جاش  
همه بهو جیغ می زنن  
خیره می شن به جوجه هاش  
(ویزویزو - ص ۱۴)

این جا هم گویا منظور از «جوجه هاش»، جوجه های قدقداست، اما ظاهر جمله این طور نشان می دهد که همه به «جوجه های سیا میو» خیره می شوند! یکی دیگر از مشکلات اساسی این مجموعه، نامناسب بودن برخی الفاظ، مفاهیم و جملات آن برای کودک است. گویا شاعر در بسیاری از ابیات، مخاطب و سن و سال او و علایق و نیازها و سطح اطلاعاتش را فراموش کرده است:

موشی میگه خدایا!  
چه روزگار گندی!  
اثاث شو با دقت  
می کنه بسته بندی  
(سیا میو این طوری قورت می ده مارو فوری - ص ۲)  
چه تابلوی قشنگی!  
لبخند مونا لیز است!  
صد آفرین بر شما!  
لبخنده جاش همین جاست!  
(سیا میو این طوری قورت می ده مارو فوری - ص ۱۲)

قدقدی هی می کشه  
با اون ماژیک ها زیگزاگ  
قرمزه و سبز و آبی  
صد تا هزار تا زیگزاگ!  
(قدقدی پیداش شده... - ص ۷)

نی نی عسلی دست می زنه

توی دماغ بابایی!

چه قدر شماها می خوابین

وای وای عجب تنبیلایی!

(فنجون خانم - ص ۳)

به کاربرد نابه جای «دست زدن» به جای «انگشت کردن» در مورد آخر توجه کنید! انگار نی نی عسلی داخل دماغ بابایش مشغول دست زدن است.

در یکی از این کتاب ها که شاعر فرایند بزرگ شدن «نی نی عسلی» و تغییرات جسمی و رفتاری او را توضیح می دهد، به حرف های عجیب و غریبی برمی خوریم:

مامان جوننی دوست ندارم  
من دیگه کفش خرسی  
می خوام بُدو بُدو کنم  
با کفشای راست راستی  
(فنجون خانم - ص ۱۳)  
خداحافظ تخت قشنگ!  
دیگه پیشت نمی خوابم  
چون که از این به بعد شبا  
می رم توی رختخوابم  
(فنجون خانم - ص ۱۸)

آیا بچه های کوچک، «کفش های دروغی» می پوشند که کودک می خواهد از این به بعد با کفش های راست راستی بُدو بُدو؟! آیا تخت خواب مخصوص نوزادان است و بچه های دیگر توی رختخواب می خوابند (احتمالاً منظور شاعر از تخت، گهواره بوده است)!!

نکته دیگر در مورد این مجموعه، آن است که مخاطب گاه به جای خردسال (گروه الف)، نوزاد یا بچه ۳-۲ ساله است؛ به عنوان مثال، لفظ خرسی و اردکی برای اسباب بازی خرس و اردک. هم چنین، شیوه اسم گذاری برای حیوانات و جانوران که بر اساس صدای آن هاست؛ (مثل کودکانی که تازه زبان باز کرده اند و به جای کلمات، اصوات را به کار می برند: هاپو هاپو (سگ) - فیس فیس (مار) سیا میو (گره) - ویز ویزو (زنبور) ...)

با آن که شعرها بر اساس تصاویر سروده شده اند، در برخی صفحات میان شعر و تصویر، ناهماهنگی و اختلاف مشاهده می شود:

نی نی عسلی با خرسی  
دعواش می شه چه دعوایی!  
خودم برات می چسبونم  
چیزی نگی به بابایی  
(بازی نکن با دمب من - ص ۶)

در تصویر، دست خرس کنده شده؛ در حالی که در شعر اشاره ای به آن نشده و فقط به چسباندن آن اشاره شده است.



گاه نیز ضرورت وزن و قافیه باعث شده شاعر، جمله‌ها و عبارات کاملاً غلطی را به کار ببرد؛ مثل «روی کاغذ آوردن» در این بند:

خرسی بیا یه نقاشی  
با هم رو کاغذ بیاریم  
اون وقت بدیمش به مامان  
تا از دلش در بیاریم

(خرسی دیگه نقاشی شو روی دیوار نمی‌کشه - ص ۱۹)

یا «شادی کردن با خنده‌ها» در این بند:

یه روز خرسی با باباش  
همراه مامان و داداش  
رفته بودن به پارک شهر  
شادی می‌کرد با خنده‌هاش!

(خرسی حالا به جای توپ یک دوست تازه داره - ص ۳)

وزن و ریتم در شعر کودک، از اهمیت زیادی برخوردار است. از آن‌جا که کودکان، اغلب شعر را با آهنگ و با صدای بلند می‌خوانند، اوزانی که برای شعرهای کودک انتخاب می‌شود، باید وزن‌های ساده و کوتاه و در عین حال شاد و پُر تحرک باشد. اما قبل از این، باید «وزن» سالم و به دور از سخته و پرش باشد. گاه وجود برخی کلمات، وزن شعر را دچار سخته و دست‌انداز کرده و خواندن آن را با اشکال مواجه کرده است:

کجا گذاشته مامانم  
بیسکویت خوشمزه شو!  
اگر که پیداشون کنم  
یک‌جا می‌خورم همشو!

(کتاب خرسی می‌خواد از این به بعد همیشه راستشو بگه - ص ۴)

(ظاهرًا باید کلمه «می‌خورم» با تشدید یا کشیده خوانده شود تا وزن شعر به هم نخورد!)

توی فروشگاه گم شدم  
مامان جونم تو کجایی؟  
چه‌طور برم به خونمون  
نکنه پیشم نیایی؟

(در این‌جا هم باید نکنه مشدد خوانده شود)  
گاهی نیز کلماتی در شعر به کار رفته که کودک معنایش را نمی‌داند؛ مثل «حراج» و «پیچ» در این ابیات:

تو این فروشگاه بزرگ  
هر چی بخوای پیدا می‌شه  
اما فقط سالی یه بار  
حراج می‌ذاره همیشه  
(ص)

## وقتی خرسی معلم اخلاق می‌شود!

یکی دیگر از مجموعه کتاب‌هایی که بر اساس کتاب‌های خارجی سروده شده، مجموعه‌ای است درباره شخصیتی به نام «خرسی» سروده منصوره اربابی. در این مجموعه چندجلدی نیز اشکالاتی کم و بیش نظیر اشکالاتی که برای کتاب‌های قبلی برشمردیم، مشاهده می‌شود که به دلیل پرهیز از اطاله کلام، از ذکر موارد تکراری صرف نظر می‌کنیم و به چند مورد دیگر اشاره خواهیم داشت.

یکی از مشکلات عمده این مجموعه، نگاه و لحن بزرگسالانه است. مخاطب، گروه سنی «الف» است و قهرمانان اصلی کتاب هم بچه حیواناتی مثل خرس و سگ و...اند، اما هنگامی که حرف می‌زنند، انگار در پشت این شخصیت‌های کودکانه، شاعر بزرگسال نشسته و سخن می‌گوید. هیچ وقت یک کودک، چنین جمله‌ای نمی‌گوید:

چشم مامانی جمع می‌کنم  
الان سبد رو می‌آرم  
هیچ چیزی جا نمی‌ذارم  
مهمونو خیلی دوست دارم

(خرسی داره یاد می‌گیره اسباباشو جمع بکنه - ص ۶)

از این به بعد جمع می‌کنم  
اسبابامو توی سبد  
وقتی بازی تموم می‌شه  
یادم می‌مونه تا ابد!

(خرسی داره یاد می‌گیره اسباباشو جمع بکنه - ص ۲۲)

داداش حالا شام نداره  
به خاطر گناه من  
بیچاره خیلی گشنشه  
اشتباهه این راه من!

(خرسی از این به بعد می‌خواد همیشه راستشو بگه - ص ۱۴)

منو ببخش داداش جونم  
این کار اشتباهی بود  
بیا بگیر توپ منو  
این‌ها همش خودخواهی بود!

(خرسی از این به بعد می‌خواد با بچه‌ها بازی کنه - ص ۱۷)

البته قابل نداره!  
تازه اونو خریدمش  
تنهایی رو دوست ندارم  
به دوست خوبم می‌دمش

(خرسی از این به بعد می‌خواد با بچه‌ها بازی کنه - ص ۱۸)





بیا بگردیم این جارو  
شاید اونو پیدا کنیم  
سری به دفتر بزنیم  
با پیچ اونو صدا کنیم  
(ص ۱۸)



از دیگر مشکلات این مجموعه، می‌توان به قافیه‌های غلط، آمیختن زبان رسمی و محاوره و نداشتن یک شیوه واحد در زبان، به هم ریختگی اجزای جمله، کاربرد اشارات و کنایه‌هایی که کودک معنای آن‌ها را نمی‌داند و... است که به دلیل پرهیز از طولانی شدن مطلب و تکراری بودن برخی موارد، از ذکر نمونه‌های آن صرف نظر می‌کنیم. در پایان هر جلد از کتاب نیز نتیجه‌گیری و پیام داستان، به شکل مستقیم و واضح برای کودک بیان می‌شود تا مبدا او دست خالی و بدون یاد گرفتن نکته‌ای اخلاقی کتاب را تمام کند:

صد آفرین خرس کوچولو  
به اخلاق و به رفتارت  
یه دوست خوب به جای توپ  
حالا داری با این کارت!  
(ص ۲۰)



چه خوشحالم خرس کوچولو  
پسری مثل تو دارم  
درست کاری و مهربون!  
باز هم تو رو پارک میارم!  
(خرسی به جای توپ حالا یه دوست تازه دارن-  
ص ۲۲)

و در صفحه داخل جلد هم چند سؤال از متن کتاب آورده شده که کودک باید به آن‌ها پاسخ دهد!

### و اما بعد...

مجموعه‌هایی که در سطور پیشین از آن سخن گفتیم، تنها نمونه‌ای از صدها مجموعه شعری است که این روزها ویتترین و قفسه‌های کتاب‌فروشی‌ها را تصاحب کرده‌اند و در کنار کتاب‌های موسوم به «کارتونی»، به عنوان کتاب‌های بازاری از آن‌ها یاد می‌شود. این کتاب‌ها که اغلب به لحاظ تصاویر جذاب بوده و از نظر کیفیت چاپ و نوع کاغذ و... نیز در سطح بالایی قرار دارند، متأسفانه فاقد هر گونه ارزش محتوایی‌اند، هستند. اما به دلایلی که ذکر شد، کودکان علاقه زیادی به خرید و مطالعه این کتاب‌ها نشان می‌دهند، چرا که آن‌ها به طرح جلد و تصاویر کتاب توجه خاصی دارند و در بسیاری موارد، اگر بزرگ‌ترها در زمینه انتخاب کتاب، آن‌ها را راهنمایی نکنند، در تشخیص کتاب مناسب یا نامناسب دچار مشکل و خطا می‌شوند. از آن‌جا که

ناشران نیز به دنبال کسب سود و فروش هر چه بیشتر هستند، تمایل و علاقه شدیدی به سرمایه‌گذاری برای چاپ این گونه کتاب‌ها دارند.

طبیعی است در این آشفته‌بازار و در میان زرق و برق و آب و رنگ این کتاب‌ها، کتاب‌های جدی و ارزشمند کودکان هرگز دیده نمی‌شوند. این امر، پیامدهای بسیار خطرناکی برای ادبیات کودک به دنبال دارد. از جمله تأثیر نامطلوب بر ذهن کودکان، تنزل و افت سطح سلیقه آن‌ها، اصیل و ماندگار و ارزشمند. به راستی، چه باید کرد و مقصر اصلی کیست؟ ارگان‌ها و نهادهای ذی‌ربط نظیر وزارت ارشاد و آموزش و پرورش که باید نظارت جدی‌تری نسبت به چاپ و انتشار این گونه کتاب‌ها داشته باشند؟ خانواده‌ها یا اولیای تربیتی که باید با وسواس و دقت بیشتری به خرید کتاب برای کودکان اقدام کنند یا شاعران و نویسندگان که گاه شرایط نامساعد اقتصادی، آن‌ها را ناگزیر از سرودن و نوشتن آثار ضعیف و بی‌ارزش می‌کند؟

نکته جالب توجه این است که همه نگران این وضعیت هستند. کافی است سری بزنید به سایت‌های خبری و خبرگزاری‌ها و درد دل‌ها و گلایه‌های شاعران، مسئولان، ناشران و... را بخوانید:

«اسدالله شعبانی، شاعر با سابقه کودک، خیلی دلشوره دارد و می‌گوید: کتاب‌های جدی کودک معمولاً با توطئه سکوت روبه‌رو می‌شوند، اما کتاب‌های بازاری در سطح وسیع تبلیغ می‌شوند. این طوری که بگذرد، آینده ادبیات بزرگسال نیز به خطر می‌افتد...»

«عرفان نظرآهاری»، شاعر کودکان و نوجوانان، در گفت‌وگو با ایسنا، از طراحی مقدمات آیین‌نامه‌ای برای شکل‌دهی به نظارت کتاب کودک و نوجوان و پیش بردن کتاب‌ها به سمت استاندارد می‌گوید.

«بیوک ملکی»، شاعر کودک نیز معتقد است: «الان کتاب‌های بازاری، کتاب‌های خوب را بلعیده است. متولیان کتاب، از ناشران در عرصه آثار جدی کودک حمایت نمی‌کنند و آن وقت مردم به تنبلی در کتاب خواندن متهم می‌شوند.»

به راستی، چه کسی پاسخ‌گوی هدر رفتن سرمایه‌های ملی نظیر کاغذ، وقت و عمر مردم است که برای خواندن و خریدن این کتاب‌ها هدر می‌رود و زبان‌های جبران‌ناپذیری به کودکان ما از طریق این کتاب‌های کم‌ارزش و بی‌محتوا می‌زند؟

پی‌نوشت:

\* اشکالات وزن و قافیه در این کتاب‌ها بسیار زیاد است که تنها به نمونه‌ای از آن‌ها اشاره شد.